

Women and urban space of Kermanshah (Comparison of Daulatabad and Kasra neighborhoods)

Elham Geravand*, **Mohammad Farhadi****

Siavash Gholipoor***

Abstract

The central issue of this paper is the study of the relationship between women and the urban space of Kermanshah. For this purpose, the women of two neighborhoods of Dolatabad and Kasra were selected so that apart from gender, the effect of women's socio-economic base on their relationship with the city and their acceptance by the city was investigated. The method of the article is grounded theory and corresponding to the problem and research method, data were collected through interviews. The main guide for data analysis has been the production theory of Lefebvre space.

The research concluded that the women of both neighborhoods do not have a connection with the city and the city does not have a public space to accept women. However, the women of Daulatabad neighborhood meet the needs of the urban space in kinship, neighborhood and neighborhood communities, and the women of the Kasri neighborhood have replaced the privatized public spaces with urban spaces. The lack of presence of women in the city is the result of their absence in the economic order and their secondary role in the system of division of labor of the dominant relations in Kermanshah city.

Keywords: urban space, Kermanshah, women, privatized public space.

* M.A of cultural studies, Razi University, elhamgeravand1372@gmail.com

** Assistant professor, Razi University, Sociology department (Corresponding Author), ma.farhadi@razi.ac.ir

*** Associate professor, Razi University, Sociology Department, gholipoor.sia@gmail.com

Date received: 2023/02/13, Date of acceptance: 2023/07/20



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

زنان و فضای شهری کرمانشاه (مقایسه محلات دولت‌آباد و کسرا)

الهام گراوند*

محمد فرهادی**، سیاوش قلی‌پور***

چکیده

مسئله مرکزی مکتوب حاضر مطالعه‌ی نسبت زنان با فضای شهری کرمانشاه است. برای این منظور زنان دو محله‌ی دولت‌آباد و کسری انتخاب شدند که بجز جنسیت، اثر پایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان بر رابطه‌ی آن‌ها با شهر و پذیرش آن‌ها از سوی شهر مورد بررسی قرار گیرد. روش مقاله نظریه زمینه‌ای است و متناظر با مسئله و روش تحقیق، داده‌ها از طریق مصاحبه جمع‌آوری شدند. راهنمای اصلی تحلیل داده‌ها، نظریه تولید فضای لفور بوده است. تحقیق به این نتیجه رسید که زنان هر دو محله پیوندی با شهر ندارند و شهر فضای عمومی برای پذیرش زنان ندارد. با این حال زنان محله دولت‌آباد نیازهای فضای شهری را در اجتماعات خویشاوندی، همسایگی و محله‌ای رفع می‌کنند و زنان محله کسری فضاهای عمومی خصوصی شده را جایگزین فضاهای شهری کرده‌اند. عدم حضور زنان در فضای شهر حاصل غیبت آن‌ها در نظم اقتصادی و نقش فرعی در سامان تقسیم‌کار مناسبات مسلط در شهر کرمانشاه است!

کلیدواژه‌ها: فضای شهری، کرمانشاه، زنان، فضای عمومی خصوصی شده.

* کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی، دانشگاه رازی، elhamgeravand1372@gmail.com

** استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه رازی (نویسنده مسئول)، ma.farhadi@razi.ac.ir

*** دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه رازی، gholipoor.sia@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۹



۱. مقدمه و طرح مسئله

زنان رؤیت‌پذیر شده‌اند و از این رهگذر مسائل اجتماعی ما را رؤیت‌پذیر کرده و پرسش‌های بنیانی پیش نهاده‌اند تا جایی که این پدیده به تنهایی می‌تواند محل تقریر مسأله‌ی جامعه و به‌طریق اولی جامعه‌شناسی ایران باشد. ابعاد این مسأله‌پردازی به وسعت کل مناسبات اجتماعی است که وجوه اقتصادی و سیاسی را نیز در بر می‌گیرد. از آنجا که پرداختن به مسأله‌ی زنان نمی‌تواند مناسبات محاط بر آنان را نادیده گرفته و فقط جنسیت را مدنظر قرار دهد، چه بسا پرداختن به این پرسش‌ها، مسأله‌ی زن را نه حل که منحل می‌کند. با این وصف طرح مسأله‌ی زنان، بدون ارجاع به ساختارهای مسط در هر حوزه، کفایت تحلیل زنان را نیز نمی‌کند و توصیف و تحلیل ساختارهای موجود چه بسا مسأله‌ی جنسیت را نیز توضیح داده و تبیین کند.

شهر محل تجلی تمام‌عیار مناسبات قدرت، ثروت و منزلت در دوران معاصر است تا جایی که برخی جنبش‌های اجتماعی - که تحركات جمعی برای تغییر یا بازتولید ساختارها هستند - را از رهگذر شهر اعم از کالبد و فضای آن توضیح می‌دهند (هاروی ۱۳۹۵). با این تفسیر، توصیف و تبیین نسبت زنان و شهر نیز مسأله‌ای محدود به جنسیت نیست و مناسبات کلان اقتصادی و سیاسی را وارد تحلیل می‌کند.

از این منظر مطالعه فضاهای شهری و حضور و غیاب زنان در آن‌ها به نوعی تحلیل مناسبات اقتصادسیاسی مسلط نیز هست. فضا، تولیدی اجتماعی است (لفور ۱۹۹۱: ۳۰) و هر جامعه‌ای بسته به شیوه‌ی تولید متبوع، فضای خاص خود را تولید می‌کند (همان: ۳۱). شیوه‌ی تولید مناسبات تقسیم‌کار و سازمان اجتماعی متناظر با آن را تعیین می‌کند که مناسبات جنسیتی نیز بخشی از آن است. این مفهوم، تأسیس کالبدی و بازتولید اجتماعی فضاهای شهری از سوی کاربران را نیز توضیح می‌دهد و لذا زنان پیش از موقعیت جنسی، در هر مسأله‌ی اجتماعی باید بر اساس موقعیت‌شان در مناسبات تولید و تقسیم‌کار مورد بررسی قرار گیرند. فضای شهر از این جهت منظر جامعی برای توصیف و تبیین وضعیت زنان است که تحلی مناسبات اجتماعی فراگیر را اقتضا می‌کند. در ایران نیز این رابطه از سوی محققان متعددی مورد تأکید قرار گرفته (باغبان‌مشیری و همکاران ۱۴۰۱؛ منوچهری میاندوآب ۱۴۰۰؛ فراهانی‌فر و صرافی ۱۴۰۰؛ آقایی و همکاران ۱۳۹۸؛ حبیبی و همکاران ۱۳۹۸) و اهمیت فضای شهری را از ابعاد مختلف و در شهرهای متفاوت ایران مورد بررسی قرار داده‌اند.

کرمانشاه نیز از این قاعده مستثنی نیست و وضعیت زنان در فضای شهری آن متناظر با مناسبات مسلط اقتصادسیاسی است که به دلیل تضاد این مناسبات، از آن به عنوان خصیصه‌ی فرهنگی یاد می‌شود. فرهنگ البته بلاوجه نیست اما بدون تحلیل بنیان‌های استقرار آن کفایت تحلیل را نمی‌کند. به طریق اولی جنسیت نیز بدون توجه به موقعیت عامل در مناسبات محاط، تصویری جامعه از چیستی و چرایی پدیده به دست نمی‌دهد.

با این اوصاف مسأله این مقاله از این منظر مطالعه‌ی توصیفی وضعیت زنان در فضای عمومی شهر کرمانشاه است که با دسته‌بندی داده‌ها تلاش می‌کند تبیینی از وضع موجود نیز به دست دهد. برای آزمون فرضِ رابطه مناسبات اقتصادسیاسی با حضور زنان در فضاهای شهر و همچنین به منظور تأمین مفروضات مقایسه، زنان دو محله‌ی کرمانشاه که تفاوت تعیین‌کننده‌ای در این زمینه دارند، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. بینش و روش مقاله برای پاسخ به این سؤال سامان یافته که زنان دو محله با مناسبات اقتصادی متفاوت، چه تفاوتی در اعمال روزمره و معانی ذهنی درباره حضور در فضاهای شهر کرمانشاه دارند؟

۲. متکای نظری

کاربران فضاهای شهری با مکانیسم‌های کلان اقتصادی و اجتماعی گزینش می‌شوند و لذا گروهی از افراد همواره از حضور در برخی فضاها منع و طرد می‌شوند. این وضعیت برای زنان به واسطه‌ی جایگاه آن‌ها در سازمان تقسیم‌کار شدت بیشتری دارد. به همین دلیل برای مطالعه‌ی جایگاه زنان در فضاهای شهری، باید فرایند تولید فضا را بفهمیم. از آنجا که فضا امری برساخته است «فهم ما از فضا باید معطوف به فرایند تولید [و بازتولید] آن باشد» (لفور ۱۹۹۱: ۳۶). «فضا تولیدی اجتماعی است و هر جامعه بسته به شیوه تولیدش، فضای خود را تولید می‌کند» (همان: ۳۱). فضا از منظر لُفور، وجوه کالبدی، اجتماعی و سیاسی یک مکان را تعریف می‌کند و از این جهت حاوی

۱. روابط اجتماعی بازتولید مانند روابط زیستی جسمانی بین دو جنس، گروه‌های سنی و سازمان خانواده و ۲. روابط تولید مانند تقسیم‌کار و سازمان سلسله‌مراتبی کارکردهای اجتماعی است. به این ترتیب در هر فضا سه رابطه مفروض است؛ بازتولید زیستی (خانواده)، بازتولید نیروی کار، بازتولید روابط اجتماعی (همان: ۳۲).

بنابراین تقسیم‌کار و سازمان اجتماعی متناظر با آن نقش اصلی در تولید فضای کالبدی و اجتماعی شهر دارند.

لغور برای توضیح این مناسبات، فضای شهر را بر اساس مفاهیم سه گانه و درهم‌تنیده‌ی عمل فضایی، بازنمایی فضا و فضای بازنمایی توضیح می‌دهد. «عمل فضایی (spatial practice): تولید و بازتولید، مکان‌های خاص و مجموعه‌های شاخص فضایی هر صورتبندی اجتماعی را دربر می‌گیرد که کارایی مشخصی [در شهر] دارند» (همان: ۳۳). در این فقه، معابر شهر، وسایل حمل‌ونقل، خدمات اجتماعی و تحرک فیزیکی و زندگی شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهند، به‌مثابه ابژه‌هایی که درک ساکنان از شهر را تعیین می‌کنند مورد بررسی قرار می‌گیرند.

«بازنمایی فضا (representations of space): فضای مفهوم‌پردازی‌شده، فضای صاحب‌نظران، برنامه‌ریزها، شهرشناسان، تکنوکرات‌ها و مهندسان اجتماعی و همه کسانی که تعیین می‌کنند چه زیسته و چه چیزی درک شود. این فضای مسلط در هر جامعه (یا شیوه تولید) است» (همان: ۳۹). در این وجه، شهر به‌مثابه پیکره‌ای که طراحی و ساخته شده در نظر گرفته می‌شود و طبعاً تحت تأثیر شیوه تولید مسلط در هر جامعه است.

فضای بازنمایی (representational space): فضا آنگونه که در پیوند با نشانه‌ها و تصاویرش زیسته می‌شود؛ فضای ساکنان و کاربران. این فضا به‌صورت منفعل تجربه می‌شود اما تخیل افراد تلاش می‌کند آن را تغییر دهد و تسخیر کند. از این منظر از فضای فیزیکی استفاده نمادین می‌شود. فضاهای بازنمایی به سمت نظامی منسجم از نمادها و نشانه‌های غیرکلامی گرایش دارند (همان: ۳۹).

باید افزود فضای زیسته محمل عاملیت ساکنان نیست و شهروندان در اینجا نیز تحت سیطره‌ی ایدئولوژی جاری در شیوه تولید هستند.

وی این سه وجه فضا را با مفاهیم درک‌شده (perceived) (عمل فضایی)، تصورشده (conceived) (بازنمایی فضا) و زیسته (lived) (فضای بازنمایی) معرفی می‌کند (همان: ۴۰).

لغور برای فهم این سه مفهوم و نسبت آن‌ها از لفظ (moment) به معنای گشتاور در فیزیک استفاده می‌کند که اثر آن‌ها بر هم را توضیح دهد.

برای فهم سه گشتاور فضای اجتماعی، می‌توان از بدن استفاده کرد. رابطه یک «سوژه» با فضا به عنوان عضوی از جامعه، به‌مثابه رابطه او با بدن خویش است. عمل اجتماعی استفاده از بدن را مفروض می‌گیرد: استفاده از دست‌ها، اعضای بدن، اندام‌های حسی و

زنان و فضای شهری کرمانشاه ... (الهام گراوند و دیگران) ۲۲۵

حرکات بدن به مثابه فعالیت‌هایی که ربطی به کاری که انجام می‌دهد ندارد [اما برای انجام یک کار لازم است]. این قلمروی جهان درک‌شده است (یعنی بنیان عملی درک جهان خارج) (همان: ۴۰).

بازنمایی بدن، از علم انباشته با مخلوطی از ایدئولوژی نشأت می‌گیرد: از دانش آناتومی، فیزیولوژی، بیماری و درمان و همچنین رابطه بدن با طبیعت یا محیط اطراف. تجربه زیسته بدن که فرهنگ در آن نقش مهمی دارد و فرد خیال می‌کند رابطه‌ای بی‌واسطه با آن دارد اما سنت‌های نمادین و دینی نقش مهمی در آن دارند که حتی روان‌کاوی قادر به کشف آن‌ها نیست (همان).

«قلب» با تجربه زیسته کاملاً متفاوت از قلب درک‌شده و فهمیده‌شده است. در مورد اندام‌های جنسی نیز چنین است. وقتی تجربه زیسته بدن را مدنظر داریم، تحت فشار اخلاقیات حتی ممکن است بدنی بدون اندام متصور شویم (همان: ۴۱). بنابراین فضای شهر اساساً حاصل مناسبات مسلط تولید است و شهروندان بخشی از این فرایند هستند و عاملانی که تحت سیطره این مناسبات هستند. نسبت عناصر سه‌گانه فضا و مختصات هر یک در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. نسبت سه وجه فضا از منظر لفور.

منبع: (آقایی و همکاران ۱۳۹۸: ۳۳ به نقل از ژلینس ۲۰۰۷)

عمل فضایی	بازنمایی فضایی	فضای بازنمایی
ادراک‌شده	تصورشده	زیسته
فضای فیزیکی	فضای ذهنی	فضای واقعی
تولید مادی	تولید ایدئولوژی و دانش	تولید معنا
محیط مصنوع	فرهنگ مصرفی	شهروندان (عاملان مصرف)

پس از انتشار کارهای لفور، بازخوانی شهر از منظر مناسبات تقسیم‌کار و روابط جنسیتی رواج یافت. از آن جمله مک‌داول (McDowell) (۱۹۸۳) در مقاله‌ی به سوی فهم تفکیک جنسیتی فضای شهر به اهمیت جنسیت در مطالعه‌ی شهر پرداخت. او معتقد است

ماهیت متغیر رابطه‌ی متقابل تولید و بازتولید [مناسبات اجتماعی] در فضاها و زمان‌های متفاوت باید مرکز توجه رویکرد فمینیستی در مطالعه مسائل شهر باشد. مطالعات شهری با نادیده گرفتن تفاوت‌های جنسیتی در شهر، عناصر ساختاربخش مهمی در فضا و فرایندهای

شهری را نمی‌بیند. اهمیت مناسبات جنسیتی در شهر نباید صرفاً بر زنان متمرکز شود. بنابراین هدف این پژوهش‌ها نباید محدود به زنان باشد بلکه باید ساختار روابط اجتماعی که به حذف و سرکوب زنان منجر می‌شود را مدنظر قرار دهد. چنین موضعی ناگزیر باید با مسائل نظری ناشی از تحلیل پدرسالاری مواجه شود (مفهومی که به بطور خاص به مناسبات فضایی رابطه زن و مرد می‌پردازد نه صرفاً به وجه مشترک سرکوب زنان در همه جوامع) (مک‌داول ۱۹۸۳: ۵۹).

اهمیت این مقاله در دامن‌زدن به بازخوانی و بازسازی شهر بر اساس وضعیت زنان در بریتانیای اواخر قرن بیستم است. زنانی که در شهر حضور دارند عموماً شاغل و بخشی از مناسبات تولید هستند و زنان خانه‌دار به عنوان شهروندان ذی‌حق در شهر دیده نشده‌اند. زنان از این جهت هم از سوی سرمایه‌داری و هم مناسبات پدرسالارانه سرکوب شده‌اند و امکان بازشناسی خود به عنوان نیروی تغییر در شهر را از دست داده‌اند. (همان: ۶۹)

اسپاین (Spain) (۲۰۱۴) در مقاله جنسیت و فضای شهری معتقد است، ساختار فضایی و ساختار اجتماعی در تناظر با هم هستند و شهرهای امریکا روابط جنسیتی را بازنمایی می‌کنند. از نظر او شهرهای امریکا تحت سیطره‌ی پدرسالاری و بر اساس مدرنیسم در معماری بعد از جنگ جهانی دوم شکل گرفته است که فرصت‌های حضور زنان در بیرون از خانه را محدود می‌کرد. او با مرور جنبش‌های حقوق زنان و جنسیت‌های مختلف و توصیف نسبت آن‌ها با فضای شهر، برنامه‌ریزی شهری جنسیت‌خستی را معرفی می‌کند (اسپاین ۲۰۱۴: ۵۸۱).

بی‌بی‌جان (۲۰۱۶) در مقاله جنسیت، فضای شهری و حق بر زندگی روزمره، به حاشیه‌راندن اقتصادی-اجتماعی و خشونت علیه زنان را معلول برنامه‌ریزی شهری می‌داند. حذف زنان و اقلیت‌ها از یک منطق تبعیت می‌کند و آن نادیده گرفتن حق بر شهر این افراد است. او تأسیس فضای شهری را جنسیتی می‌داند و حق بر شهر را مورد نقد قرار می‌دهد که بدون توجه به تفاوت زن و مرد و فقط برای مردان سفید طبقه متوسط طراحی شده است (بی‌بی‌جان ۲۰۱۶: ۳۲۳).

در ایران، تنها در سال‌های اخیر توجهات به نظریه‌ی *لغور بالا* گرفته و از مناظر مختلف و در مطالعه‌ی موضوعات متفاوت مورد توجه قرار گرفته است. فرخ‌زاد و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله *سنجش ترجیحات حضوری زنان در عرصه‌ای عمومی شهر تهران*، نسبت زنان و شهر را چنین برآورد کرده‌اند.

زنان و فضای شهری کرمانشاه ... (الهام گراوند و دیگران) ۲۲۷

فضاهای تجاری بیشترین تأثیر را در حضور بانوان در عرصه‌های عمومی دارند. پس از آن عرصه‌های عمومی فعالیت مذهبی، ورزشی، تفریحی و فرهنگی قرار دارند. فضاهای تجاری، تفریحی، ورزشی، فرهنگی و مذهبی، به ترتیب بیشترین عدالت جنسیتی را از نظر بانوان دارند. حق بر شهر در بخش‌های شمالی منطقه و بالای اتوبان همت شرایط مطلوب‌تری دارد (فرخزاد و همکاران ۱۳۹۹: ۴۲).

در این مقاله گرچه رویکرد *لغور* در تحلیل شهر مدنظر نبوده اما داده‌های تحقیق، تقسیم‌کار جنسیتی مدنظر *لغور* در سامان اجتماعی شهر تهران را تأیید می‌کند. حضور زنان محدود به فضاهای سرپوشیده و خصوصی است و شهر فضای عمومی مناسب حضور آن‌ها را ندارد. عمل فضایی که محیط مصنوع شهر را تولید می‌کند و بازنمایی فضایی که فرهنگ مصرفی را تشویق کرده و فضای بازنمایی که زنان عاملان آن هستند در راستای هم قرار دارند.

پوراحمد و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه‌ی فضاهای عمومی شهر تهران به این نتیجه رسیده‌اند که فضای عمومی در این شهر به مکان‌های گردشگری و فضاهای تجاری-تفریحی تقلیل یافته که در راستای خصوصی‌سازی فضای عمومی شهری است. خصوصی‌سازی و دولتی کردن فضای عمومی، خاصیت فراگیر این عرصه‌ها را تباہ کرده و شهر به جای تشویق تعامل و مشارکت، به تجارت و سوداگری و سودآوری ترغیب می‌کند (پوراحمد و همکاران ۱۳۹۷: ۱۳۶-۱۴۰).

منوچهری میان‌دوآب (۱۴۰۰) با تحلیل فرایند تولید فضای شهری تهران، معتقد است

دولت در سه مرحله فضای عمومی شهر تهران را تغییر داده است؛ دوره اول مهم‌ترین هدف از تغییر فضای شهری، کنترل فضا و درنهایت بسط سرمایه‌داری به شکل هوسمانیسم و تغییر فیزیکی و ذهنی فضا بوده است. در دوره دوم مهم‌ترین هدف در تولید فضای شهری، انباشت سرمایه است که دولت و ارکان دیگر یعنی سرمایه و حکومت محلی، با کاهش موانع فضایی بسترهای لازم را برای انباشت سرمایه در شهر تهران فراهم آورده‌اند. دولت با تزریق پول‌های نفتی، با سرمایه‌گذاری در بخش صنعت مونتاژ و تا حدودی در زمین و مسکن، شهرداری نیز با تخریب فضاهای قدیمی و ایجاد خیابان‌ها، بزرگراه‌ها و اتوبان‌ها در تلاش برای رسیدن به این هدف بودند. در دوره سوم دولت با هدف کاهش هزینه‌ها، از تأمین بودجه شهرداری عقب‌نشینی و قانون خودکفایی شهرداری را تصویب کرد که شهر را در اختیار بورژوازی مستغلات و شهرداری گذاشت. توافق بین بورژوازی مستغلات و شهرداری سبب شد فضا برای مبادله و کسب سود ایجاد شود و شهرداری به صورت مستقیم و غیرمستقیم اقدام به حذف موانع فضایی برای انباشت بیشتر سرمایه و افزایش ارزش

افزوده کند. در نهایت نیز بورژوازی مستغلات شهر تهران را به یک کالای ارزشمند حجیم تبدیل کرده است (منوچهری میان‌دوآب ۱۴۰۰: ۳۸۷).

قلی‌پور (۱۳۹۷) در بررسی نقش مونوریل بر حیات شهری کرمانشاه استدلال می‌کند سازه‌های کالبدی و طرح‌های شهری تهدیدکننده حیات شهری کرمانشاه هستند و فضای عمومی کم‌رنگ شهر را از معنا تهی می‌کنند. مونوریل به عنوان پروژه‌ای بی‌توجه به حیات شهری، ترافیک و تردد را بر انسان ترجیح می‌دهد (قلی‌پور ۱۳۹۷: ۱۱۹).

حسینی و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه‌ی خشونت علیه زنان در فضاهای عمومی شهر بندرعباس معتقدند شرایط علی (کلیشه‌های جنسیتی، امنیت کالبدی و اجتماعی فضاهای عموم، نوع پوشش و رفتار زنان و شبکه ارتباطی زنان) موجب بروز خشونت جنسی علیه زنان شده است (همان: ۱۸۹).

نازک‌تبار و ابراهیمی کیایی (۱۴۰۱) در مطالعه امنیت اجتماعی زنان شهر ساری به این نتیجه رسیده‌اند بین متغیرهای سرمایه فرهنگی تجسم یافته، عینیت یافته و نهادینه با احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه مثبت معنادار وجود دارد (همان: ۳۳۱). از آنجا که گونه‌های سرمایه فرهنگی وجه تبدیل یافته‌ی سرمایه اقتصادی هستند می‌توان نتایج این تحقیق را به امنیت بیش‌تر زنان برخوردار تعبیر کرد.

تحقیقات موجود یا فضای شهر را با نظریه‌ی تولید فضا مطالعه کرده‌اند و توجهی به جایگاه زنان در این فرایند نداشته‌ند یا تنها زنان را بدون ارجاع به رویکرد نظری تولید فضا در شهر بررسی نموده‌اند. مکتوب حاضر با رویکردی اکتشافی وضعیت زنان در فضای عمومی شهر را بررسی می‌کند و رویکرد آن در تحلیل داده‌ها بر نظریه تولید فضای لغور استوار است و حضور و غیاب زنان در فضای شهر کرمانشاه را بر این اساس توصیف و تحلیل می‌کند.

ارائه تصویری کلی از شهر کرمانشاه برای توصیف فضای شهری آن و تحلیل داده‌های تحقیق در گام بعد، ضروری به نظر می‌رسد. کرمانشاه شهری پیرامونی در کشوری پیرامونی است. با وجود برخورداری برخی مناطق کشور از مواهب توسعه‌ی از بالا، کرمانشاه به واسطه‌ی جنگ تحمیلی و مختصات تاریخی وارث آسیب‌های برنامه‌های توسعه شد (نظری و فرهادی ۱۴۰۱). در سال ۱۳۵۵، بیش از ۵۷ درصد جمعیت استان در روستا ساکن بودند. همزمان با انقلاب و جنگ تحمیلی مهاجرت به شهر شدت گرفت تا جایی که در سال ۷۵ بیش از ۶۱ درصد جمعیت استان شهرنشین شدند، این رقم در سال ۸۵ به ۶۷ درصد و در سال ۹۵ به ۷۶ درصد رسیده است (مرکز آمار ایران ۱۳۹۵).

جمعیت شهرنشین شهرستان کرمانشاه در سال ۱۳۵۵، نزدیک به ۵۹ درصد جمعیت و ساکنان روستا نیز ۴۱ درصد جمعیت شهرستان را تشکیل می‌دادند (مرکز آمار ایران ۱۳۵۵). این رقم در سال ۸۵ به ۸۳ درصد و در سال ۱۴۰۰ به ۹۰ درصد رسیده است. بنابراین مهاجرت به شهر کرمانشاه شتاب بالایی داشت بطوری که از سال ۱۳۵۵ جمعیت شهر کرمانشاه حدود دو برابر شد و از ۲۹۵ هزار به ۵۶۸ هزار نفر رسید (مرکز آمار ۱۳۶۵).

شهرنشینی در کرمانشاه در پاسخ به نیاز نیروی کار شهر نبوده و انقلاب، جنگ و بیکاری در روستاها به مهاجرت شهری در کرمانشاه دامن زده است. این وضعیت در شاخص‌های توسعه استان منعکس است؛ رتبه استان کرمانشاه در شاخص توسعه انسانی در کشور ۱۹ است و در زمره استان‌های با درآمد سرانه بسیار پایین دسته‌بندی می‌شود (وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی ۱۳۹۹: ۳۳).

در سهم اشتغال در گروه‌های عمده شغلی استان، کشاورزی ۳۰ درصد، صنعت ۲۲ درصد و خدمات ۴۸ درصد را به خود اختصاص داده‌اند (همان: ۵). سهم این گروه‌ها در تولید ناخالص استان کشاورزی ۱۴ درصد، صنعت ۲۲ درصد و خدمات نیز ۶۳ درصد بوده است (همان: ۵۰). با این حال رتبه استان در کشاورزی ۷، در صنعت ۳۰ و در خدمات ۱۷ است (مرکز آمار ایران ۱۴۰۰). سهم اشتغال کشاورزی در سال ۱۳۵۵ حدود ۳۹ درصد بوده است (مرکز آمار ایران ۱۳۵۵) که بعد از حدود ۵۰ سال تقریباً این سهم ثابت باقی مانده است.

سهم زنان از اشتغال در استان در سال ۵۵ حدود ۹ درصد بوده (همان) که این رقم در سال ۱۳۹۸ به ۱۲ درصد رسیده است (مرکز آمار ایران ۱۳۹۸). در سال ۱۳۹۸ بیکاری زنان در مناطق شهری استان برای سنین ۱۵-۲۴ سال ۶۸ درصد و برای سنین ۱۸-۳۵ سال ۴۸ درصد بوده است (همان).

فضای شهری کرمانشاه نیز متأثر از تاریخ توسعه آن است. همین فرایند نقش زنان در سامان اقتصادی اجتماعی کرمانشاه و همچنین فضای کالبدی و اجتماعی شهر را توضیح می‌دهد. تحلیل مصاحبه‌های مقاله بدون توجه به داده‌های کلان شهر امکان‌پذیر نیست از این جهت این داده‌ها راهنمای کلی تحلیل خواهند بود.

۳. روش تحقیق

روش تحقیق حاضر نظریه زمینه‌ای (Grounded Theory) است که مناسب‌ترین روش برای تحلیل مصاحبه است که برای پاسخ به سؤالی مشخص انجام شده‌اند. داده‌های این تحقیق نیز با مصاحبه فراهم آمده و به منظور تأمین مفروضات نظری، با زنان دو محله‌ی به‌لحاظ اقتصادی متفاوت شهر گفتگو شده است. برای تکمیل داده‌های مصاحبه، مشاهده نیز بخشی از اطلاعات لازم برای مقایسه را فراهم می‌کند. «مهمترین مؤلفه‌ی روش نظریه‌ی زمینه‌ای، انکشاف نظریه از داده‌هایی است که به شکل نظام‌مند از تحقیقات اجتماعی حاصل آمده‌اند» (گلیسر و اشتراوس ۲۰۰۶: ۲).

بنای اصلی این روش بر حرکت از داده به نظریه است، بر عکس روش‌های قیاسی که از نظریه به واقعیت حرکت می‌کند... تئوری حاصل از این فرایند باید با موضوع مورد تحقیق سازگار و در عمل قابل استفاده باشد. منظور از سازگاری با موضوع تحقیق این است که ما چارچوبی از پیش موجود به داده‌ها تحمیل نمی‌کنیم و منظور از قابل استفاده این است که تحلیل به شکلی معنادار با داده‌ها پیوند داشته و رفتار مورد مطالعه را تبیین کند (همان: ۳).

این معناداری پس از ارائه‌ی نتایج به صاحب‌نظران تأمین خواهد شد که اقناع نظری و تطبیق نظریه و داده از ابزارهای اندازه‌گیری آن است. این فقره همان اعتبار این تحقیق است که به سازگاری و معناداری تحلیل از منظر خوانندگان صاحب صلاحیت راجع است. نمونه‌گیری با روش نظری انجام شده و افرادی که حضورشان برای تأمین مفروضات مفهومی (سن، تحصیلات، وضع تأهل) ضروری بوده در نمونه قرار گرفته‌اند.

شیوه تحلیل داده‌ها با روش کدگذاری نظری و مفهومی در سه مرحله انجام می‌گیرد. در مرحله کدگذاری باز، گزاره‌های نظری متن استخراج می‌شوند و در مرحله بعد از طریق کدگذاری محوری، مفاهیم اصلی معرفی شده و در مرحله بعد کدگذاری گزینشی انجام می‌شود که طی آن مقولات مهم از رهگذر یافتن پیوند مفاهیم استخراج می‌شوند. (اشتراوس و کرین ۱۳۹۱: ۱۲۰-۱۷۰). تفکیک مراحل کدگذاری ارزش تحلیلی دارد و بدون ترتیب قطعی، با رفت و آمد مدام بین این سه مرحله، شمای نظری داده‌ها آشکار می‌شود. کدگذاری متن انباشتی است و هر متن می‌توان بخش‌های خالی سایر متن‌ها را پر کند.

در این تحقیق روش نظریه‌ی زمینه‌ای برای تجزیه و تحلیل داده‌ها به کار گرفته شده و ذهن ما از چارچوبی نظری برای خوانش و دسته‌بندی داده‌ها خالی نبوده و چنانکه در بخش نظری

زنان و فضای شهری کرمانشاه ... (الهام گراوند و دیگران) ۲۳۱

مورد اشاره قرار گرفت، نظریه تولید فضای *لهور* راهنمای نویسندگان برای این کار بوده است. اساساً با ذهن خالی نمی توان دست به تحقیق گشود زیرا داده ها نیز شأن داده بودگی شان را مدیون یک چارچوب نظری هستند.

در این تحقیق برای مطالعه ی نسبت زنان با فضای عمومی شهر کرمانشاه با ۳۷ نفر از زنان ساکن در دو محله دولت آباد و محله کسرا - که کفایت نظری را تأمین کرده اند - مصاحبه انجام شد. معیار مفهومی انتخاب نمونه ها داخل محلات، سن، پوشش ظاهری، تحصیلات، شغل و پایگاه اجتماعی بوده تا تنوع موجود پوشش داده شود. پس از معرفی هر محله و کدگذاری و تحلیل جداگانه آن ها، در پایان دلالت های مقایسه ای داده ها برای توصیف و تبیین نسبت زنان و فضای عمومی شهر کرمانشاه معرفی خواهند شد.

جدول ۲. مشخصات زنان مورد مصاحبه محله دولت آباد

ردیف	ظاهر	شغل	سن	فعالیت حین مصاحبه
۱	لباس محلی و ظاهری آراسته، بدون آرایش	خانه دار	۴۵	هم نشینی با زنان دیگر داخل کوچه
۲	لباس محلی و ماتو، آراسته، بدون آرایش	خانه دار	۴۰	خرید کردن
۳	لباس محلی و چادر، بدون آرایش	خانه دار	۵۰	پیاده روی به سمت زمین های بایر
۴	لباس محلی و چادر، بدون آرایش	خانه دار	۵۰	پیاده روی به سمت زمین های بایر
۵	لباس محلی و ماتو، آرایش ملایم	خانه دار	۴۰	گذر از بازار
۶	ماتو و شلوار، آرایش ملایم	فروشنده لباس	۲۵	بازگشت به منزل
۷	لباس محلی و ماتو، بدون آرایش	خانه دار	۲۱	گذر از بازار
۸	ماتو و شلوار، آرایش ملایم	فروشنده لباس	۲۵	مغازه دار و فروشنده
۹	ماتو و شلوار، آرایش ملایم	فروشنده لباس	۲۸	مغازه دار و فروشنده
۱۰	ماتو و شلوار، بدون آرایش	فروشنده لباس	۲۵	مغازه دار و فروشنده
۱۱	ساده و آراسته، با آرایش ملایم	آرایشگر	۲۸	آرایشگری
۱۲	ساده و آراسته، با آرایش ملایم	آرایشگر	۳۵	آرایشگری
۱۳	لباس محلی، بدون آرایش	خیاط	۳۲	خیاطی
۱۴	ماتو و شلوار، آرایش ساده	خانه دار	۳۵	پیاده روی
۱۵	ماتو و شلوار، بدون آرایش	خانه دار	۴۰	خرید از وانتی
۱۶	ماتو و لباس محلی، بدون آرایش	خانه دار	۴۵	بازگشت از مطب دکتر
۱۷	ماتو و لباس محلی، بدون آرایش	خانه دار	۱۸	در حال پیاده روی با مادر

۱۸	مانتو و شلوار، با آرایش ساده	خانه دار	۳۸	در حال پیاده روی با خواهر
۱۹	مانتو و شلوار، با آرایش ملایم	آرایشگر	۲۵	هم نشینی با دوستان
۲۰	مانتو و شلوار، با آرایش ملایم	آرایشگر	۲۵	هم نشینی با دوستان

در این جداول برخی مختصات ظاهری مصاحبه‌شوندگان نیز گزارش شده تا اطلاعات بیش‌تری از آنها در دسترس خوانندگان قرا گیرد. از طرفی برخی تفاوت‌های دو محله را آشکار می‌کند و از طرف دیگر برخی ویژگی‌های کلی زنان مورد مصاحبه روشن می‌شود که دسته‌بندی اولیه‌ای از آن‌ها فراهم می‌آورد.

در محله دولت‌آباد لباس محلی، پوشش رسمی زنان میانسال است و دختران جوان کم‌تر این لباس را به عنوان پوشش بیرون منزل استفاده می‌کنند. در این محله آرایش زنان میانسال، با اوصاف سنتی و محدود به سرمه و وسمه است و به معنای امروزی دختران جوان بیشتر با آرایش‌های امروزی خود را می‌آرایند. سطح اقتصادی این محله - با رعایت تفاوت‌های درون محله‌ای - متوسط رو به پایین است. زنان بیشتر خانه‌دار هستند و شاغلان در مشاغل مربوط به زنان از جمله خیاطی، آرایش‌گری یا فروشندگی لوازم زنانه هستند.

جدول ۳. مشخصات زنان مورد مصاحبه محله کسرا

ردیف	ظاهر	شغل	سن	فعالیت حین مصاحبه
۱	با حجاب، لباس‌های مرتب، لوازم آرایش برند	معلم	۶۵	هم نشینی با خانم دیگر داخل پارک
۲	تیپ معمولی با کاپشن و شلوار، آرایش ساده	دانشجو	۲۵	گذران فراغت با مادر در پارک
۳	تیپ معمولی، با کاپشن و آرایش ساده	ورزشکار	۱۸	در پارک برای گرداندن سگ
۴	ظاهری معمولی، با کاپشن و آرایش ساده	مربی ورزش	۴۰	همراه با فرزند، گذران فراغت فرزند
۵	ظاهری عالی، لباس‌های برند و آرایشی حرفه‌ای	دانشجو	۲۶	بازگشت از کلاس زبان
۶	تیپ معمولی، با مانتو و شلوار معمولی	بازنشسته	۷۰	در میدان فردوسی و انتظار آمدن دختر
۷	تیپ معمولی و متوسط، با مانتو و شلوار ساده	خانه دار	۷۰	در میدان فردوسی منتظر آمدن زنان دیگر
۸	با تیپ دانشجویی، با مانتو و شلوار و اداری	دانشجو/شاغل	۴۰	در پارک لاله، منتظر شروع تایم کلاس دانشگاه
۹	تیپ متوسط و معمولی	خانه دار	۴۵	همراه با مادر روی صندلی کنار خیابان

زنان و فضای شهری کرمانشاه ... (الهام گراوند و دیگران) ۲۳۳

لباس شیک، آرایش حرفه‌ای	محصل	۱۶	در مسیر کافه به همراه دوست
لباس شیک، آرایش حرفه‌ای	محصل	۱۶	در مسیر کافه به همراه دوست
لباس متوسط، با مانتو و شلوار معمولی	خانه دار	۶۰	پیاده روی
لباس معمولی و طبقه ی متوسط، مانتو و شلوار ساده	خانه دار	۶۰	خرید
لباس شیک، آرایش حرفه‌ای	کار گرافیکی	۲۷	بازگشت از محل کار
لباس شیک، ظاهر زیبا سازی شده	خانه دار	۳۵	بازگشت از خرید
مانتو و ظاهر آراسته	خانه دار	۲۸	در حال گذران فراغت در پارک لاله
شیک، مانتوی کوتاه با شلوار گشاد	خانه دار	۴۰	در مسیر مطب دکتر

کسرا در کرمانشاه محله‌ای برخوردار - با رعایت تفاوت‌های درون محله‌ای - است. مترائز خانه‌ها در این محله تا ۱۵۰۰ متر هم می‌رسد. شاخص‌های اجتماعی تحصیلات، درآمد، تغذیه و بهداشت بالا و تراکم جمعیت پایین است. ساکنان این محله حضوری در شهر ندارند و یافتن موارد مصاحبه که ساکن این محله باشند یکی از چالش‌های این تحقیق بود. این وضعیت خود داده‌ای مهم برای تحلیل این محله است.

۴. یافته‌های تحقیق

در این فقره از تحقیق در گام اول هر محله بطور مستقل معرفی شده و داده‌های آن تحلیل می‌شود. بر اساس منطق روش کیفی، توصیف دقیق بخشی از تبیین است و به همین دلیل در ادامه هر محله با داده‌های مشاهده‌ای و آماری توصیف و سپس داده‌های مصاحبه‌شوندگان تحلیل می‌شود. در گام دوم دو محله و مختصات آن‌ها از منظر مسئله تحقیق مورد مقایسه قرار می‌گیرند.

۱.۴ محله دولت‌آباد

شهرک یا محله دولت‌آباد در حاشیه ضلع غربی شهر کرمانشاه قرار دارد و بر اساس اطلاعات سرشماری سال ۱۳۹۵، جمعیت این شهرک ۲۵۲۵۸ نفر بوده است (مرکز آمار ایران ۱۳۹۵). بافت محله یکسان نیست؛ بخشی از آن منازل ریزدانه با ساخت غیرهندسی و خودروست که به روستاهای همجوار ختم می‌شود. بخشی از آن پروژه‌ی مسکن مهر ۶ هزار واحدی است و بخشی از محله نیز بافت شهری استاندارد دارد. خط اتوبوس آن حذف شده و تاکسی‌ها برای

آمدن داخل محله مبلغ بیشتری طلب می‌کنند. بخش شمالی این شهرک محل تجمع کارگاه‌های فنی صنف تعمیر اتومبیل‌های سبک و سنگین است. دوری محله از پیکره شهر، حضور مشاغل جداکننده مکانی و پیشینه اجتماعی ساکنان محله باعث فاصله فضایی و ذهنی ساکنان از شهر کرمانشاه شده است. زمین ارزان باعث شده این محله به مقصد مهاجران سال‌های جنگ تحمیلی بدل شود. همچنین پروژه مسکن مهر نیز بار جمعیتی زیادی به محله وارد کرده است. زنان مصاحبه‌شونده این محله، رابطه خود با فضای شهر را با مفاهیم و مقولات زیر توصیف می‌کنند؛

۱.۱.۴ شهر قلمرو بیگانه

زنان محله دولت‌آباد فضای شهر را پدیده‌ای بیگانه توصیف می‌کنند که پیوندی با آن ندارند. رابطه آن‌ها با شهر به صرف ضرورت و استفاده کارکردی است. زنان در شهر احساس امنیت نمی‌کنند و بدون همراه واردش نمی‌شوند و خود را متعلق به آن نمی‌دانند. حتی درون محله نیز فضای شهر پذیرای زنان نیست و آن‌ها را طرد می‌کند. اگرچه درون محله به فعالیت اقتصادی مشغول هستند یا به عنوان خریدار در بازار پذیرفته می‌شوند اما خارج از این نقش‌ها امکان حضور در فضای عمومی محله برای فعالیت‌های فراغتی فراهم نیست. روابط آن‌ها با دیگران محدود به روابط همسایگی و خویشاوندی است.

جدول ۴. مقوله بیگانگی از شهر و مفاهیم مربوط

مقولات	مفاهیم	گزاره‌ها
پیوند شهر در تجربه روزمره	قطع ارتباط با شهر	کسرا نمی‌رویم آنجا کاری نداریم. داخل شهر اصلاً نمی‌روم. جای مناسبی برای رفتن در شهر نیست. سمت کسرا و نوبهار نمی‌روم.
	ارتباط به صرف ضرورت	برای خرید و گاهی تفریح به بازار می‌رویم. بعضی محلات که اسم بدی دارند نمی‌روم. مگر برای کار واجب وگرنه داخل شهر نمی‌روم. ماهی نهایتاً دوبار داخل شهر برویم. برای کار می‌رویم شهر نه تفریح. سالی چندبار نوبهار می‌رویم.

زنان و فضای شهری کرمانشاه ... (الهام گراوند و دیگران) ۲۳۵

<p>شب هیچ‌جا احساس امنیت نمی‌کنیم. آسیب‌های شهری زیاد شده است. زمان‌ها و مکان‌های خلوت احساس امنیت نمی‌کنیم. داخل شهر کرمانشاه احساس امنیت نداریم. دزدی و اعتیاد خیلی زیاد شده است. با ماشین همسر داخل شهر می‌رویم. تنهایی به سایر محلات شهر نمی‌رویم. از کرمانشاه خوشم نمی‌آید، مردمش روی اعصاب هستند. بخاطر مسکن مهر محله خیلی شلوغ شده است. شهر مناسب زن‌ها طراحی نشده است. کرمانشاه قدیم بهتر بود الان امنیت نیست.</p>	<p>عدم احساس امنیت در شهر</p>	<p>شهر زیست‌پایدار</p>
<p>دولت آباد خط اتوبوس ندارد. تاکسی‌ها هم داخل شهرک نمی‌آیند. پارک یا جای مناسب زنان در محله نداریم. بجز بازار جایی برای رفتن زنان در محله نیست. گاهی بیرون می‌روم اما محله جای مناسب زنان ندارد.</p>	<p>فقدان امکانات محله‌ای</p>	
<p>خرید و زندگی ما داخل دولت‌آباد است. اینجا همه آشنا هستند، احساس امنیت می‌کنیم. دوره‌می خویشاوندی داخل محله داریم. به شب‌نشینی می‌رویم، جای مناسب خانم‌ها در محله نیست. به محیط دولت‌آباد عادت داریم. داخل محله راحت‌تر هستیم تا شهر کرمانشاه.</p>	<p>اجتماع محله‌ای</p>	<p>انزوای محله‌ای</p>

دایره ارتباطات محدود به بافت خویشاوندی است که در محله پررنگ است. روابط زنان تنها زیرسقف منزل با رابطه فامیلی و در فضای باز کوچک و با همسایگان است که پیشینه‌ی مشترک قومی با هم دارند. زنان این‌جا، درون محله احساس آرامش دارند اما منظورشان از درون محله قلمرو همسایگی است نه کل محله زیرا در ساعات خلوت و شب‌ها نمی‌توانند تنهایی در محله تردد کنند.

در مصاحبه‌ها شهر قلمرو ناآشنا و غریبه‌ای است که آن‌ها را با مختصات خاص‌شان نمی‌پذیرد و آنها در این فضا احساس بیگانگی می‌کنند. زنان بخشی از منزل هستند و در همان‌جا احساس امنیت و آرامش دارند. فضای محله در اشغال بازار است و زنان را تنها به عنوان خریدار و فروشنده می‌پذیرد. فضایی که افراد بدون ضرورت کاری بتوانند در آنجا

حضور پیدا کرده و بخشی از ضرب‌آهنگ زندگی شهری باشند، وجود ندارد. حتی پارک‌ها فضایی برای پذیرش زنان به عنوان فعالیتی فارغ از وظیفه که تنها در آن وقت بگذرانند نیست. احساس عدم امنیت نیز فقط ترس از جان و مال نیست، احساس طرد است و اینکه حتی آرایش و پوشش آن‌ها را نمی‌پذیرد. جنسیت زنان برای شهر مسئله است و برای خودشان هم مسئله شده و بخشی از بیگانگی از شهر بواسطه بیگانگی از خود زن‌هاست. تنها فضای پذیرنده‌ی زنان بازار است که در مقولات بعد مورد بررسی قرار می‌گیرد. حمل و نقل امن و ارزان برای تردد به شهر در دسترس زنان محله نیست و گویا شهر این محله را به عنوان بخشی از خود نپذیرفته است.

۲.۱.۴ مقوله جایگاه زنان در سازمان تقسیم‌کار

برای تبیین چرایی بیگانگی از شهر، مطالعه‌ی جایگاه زنان این محله در فرایند تقسیم‌کار ضروری است. زنان محله اساساً فراغت را به‌مثابه فعالیتی ضروری برای خودمراقبتی و فعالیتی مفید نمی‌شناسند. در واقع فردیت آن‌ها برای دیگران و خودشان به رسمیت شناخته نشده لذا فراغت به عنوان زمانی که فارغ از مسئولیت‌های خانوادگی است و به خود فرد تعلق دارد و می‌تواند کارهایی که تنها به علائق خودش مربوط باشد انجام دهد، بی‌معناست. درمقابل فراغت بیشتر خانوادگی است و به معاشرت خویشاوندی محدود می‌شود. حلقه دوستانه یا جمعی که فراتر از پیوندهای خونی و خاکی باشد، بسیار کمیاب است.

جدول ۵. مقوله تقسیم‌کار فراغت و مفاهیم آن

مقولات	مفاهیم	گزاره‌ها
تقسیم‌کار؛ فراغت، رهایی از کار نه خودشکوفایی	فقدان تصور از فراغت	زن کرد تفریح ندارد. زن کرد همه زندگی‌اش خانه است. تفریح و زندگی ما یکی است. تفریح بچه برایم مهم‌تر است. ۸۰ درصد ذهن ما درگیر خانه است.
	فراغت فردی	وقت داشته باشم می‌خواهم. بیشتر با گوشی مشغول هستم. بیشتر تلویزیون تماشا می‌کنم. تا بحال سینما نرفته‌ام.

به باشگاه علاقه ندارم.		
شب‌نشینی می‌رویم. بازار گردی تفریح ماست. پاساژ نه! بیشتر بازار سنتی را دوست دارم. کوچه می‌نشینیم با همسایه‌ها. گاهی با دوستان پیاده‌روی می‌روم. سرگرمی ما خانگی و داخل محله است. جمعه‌ها خارج از کرمانشاه و طبیعت می‌رویم.	فراغت خانوادگی	

با این وصف فعالیتی که نیازمند حضور در فضای شهر باشد و در راستای علائق فردی زنان باشد مرسوم نیست. تنها بازار به عنوان محل حضور زنان پذیرفته است و زنان محله از آن به عنوان تفریح نیز بهره می‌برند. با توجه به اینکه وجه تفریحی بازار ایجاد ارتباط و تعامل است به نظر می‌رسد در فقدان فضای شهر برای پذیرش زنان، بازار این کارکرد را برآورده می‌کند. باید افزود منظور پاسخگویان از بازار، بیشتر بازار محلی داخل محله است و افراد معدودی بازار بزرگ شهر را مدنظر دارند. این تلقی از بازار دلالت‌های متعددی دارد؛ اول اینکه زنان علاقمند به حضور در فضای شهر هستند اما چون در حال فعالیتی آزاد در فضاهای دیگر شهر پذیرفته نمی‌شوند، این نیاز خود را با بازدید از بازار که پرسه‌زنی بی‌هدف در آن پذیرفته است، تطبیق داده‌اند. دلالت دوم اینکه زنان میل به حضور در فضای شهر را دارند اما در فضاهای شهری دیگر به رسمیت شناخته نمی‌شوند و لذا احساس امنیت نمی‌کنند. بازار مفروضات فضای شهر مناسب زنان را تأمین می‌کند؛ در آن پذیرفته می‌شوند، قضاوت نمی‌شوند، امنیت دارند. حتی در پاساژها و مراکز خرید مدرن احساس امنیتی وجودی نمی‌کنند و خود را وصله ناجور می‌بینند اما در بازار سنتی این سامانه طرد فعال نیست. مقصود از بازار نیز بیش‌تر بازار محله است نه بازار بزرگ شهر کرمانشاه. فعالیت‌های فراغتی بیشتر وقت گذرانی است تا خودشکوفایی؛ تلویزیون، گوشی، خواب. حتی در فعالیت فراغتی طبیعت خارج از شهر را به فضاهای شهری ترجیح می‌دهند. این رفتار پذیرفته‌تر است تا رفتن به پارک داخل شهر.

۳.۱.۴ مقوله فضای شهر و فراغت

فضاهایی که زنان در آن احساس آرامش و امنیت می‌کنند، محدود به جمع‌های خانوادگی است. کافه، رستوران، باشگاه و پاساژ پذیرای زنان این محله نیست بعلاوه اینکه حضور در این فضاها هزینه دارد که توان تأمین آن وجود ندارد یا چنین کاری اصلاً فرح‌بخش هم نیست.

جدول ۶. مقوله فضای فراغتی شهر و مفاهیم مربوط

مقولات	مفاهیم	گزاره‌ها
فضای فراغت و تفریح	مکان فراغت	برای تفریح هم به بازار سنتی می‌رویم. حتی اگر خرید نکنم برای دیدن به بازار می‌رویم. پاساژها را خیلی دوست نداریم. علاقه‌ای به باشگاه ندارم. دید و بازدید خانوادگی می‌رویم. بیرون شهر و به طبیعت می‌رویم. در خانه بیشترین آرامش را دارم. آرایشگاه یا خیاطی محل عمومی زنان. در کوچه می‌نشینیم. کافه و رستوران نمی‌رویم. باشگاه نمی‌رویم.
	اقتصاد فراغت	برای چیزهای ضروری پول خرج می‌کنم. باشگاه هزینه دارد نمی‌روم. سینما خیلی کم رفته‌ام شاید کلاً دوبار. وضع اقتصادی ما به تفریح نمی‌رسد.

فراغت زنان محله هیچ پیوندی با فضای شهر ندارد زیرا فضای شهر آن‌ها را نمی‌پذیرد؛ قضاوت می‌کند، پس می‌زند و به رسمیت نمی‌شناسد. این طرد اقتصادی است. رفتارهای فراغتی خانوادگی، درون‌گروهی و داخل محله‌ای است؛ این طرد اجتماعی است. باشگاه، رستوران، کافه مناسب این زنان نیست؛ این طرد منزلتی است.

۲.۴ محله کسرا

کسرا از محلات مرفه‌نشین است که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ جمعیت آن برابر با ۳۱۹۲ نفر بوده است (مرکز آمار ایران ۱۳۹۵). در این محله نیز خط اتوبوس وجود ندارد و محل تجمع فروشگاه‌های برند است. تراکم جمعیت آن به نسبت مساحت پایین و در مجموع محله‌ای خلوت است. زنان مورد مصاحبه در این محله فضای شهر را با مقولات زیر توصیف می‌کنند:

۱.۲.۴ خاص‌پنداری محله و بیگانگی از شهر

محله کسرا به «بالاشهر» کرمانشاه معروف است اما ساکنان شهرک‌های اطراف نیز خود را اهل کسرا معرفی می‌کنند تا پرستیژ محله را مصرف کنند. ساکنان محله در انزوایی محله‌ای زندگی می‌کنند و رابطه‌ای با شهر ندارند. در اشاره به مابقی شهر به‌جز محله خودشان، از واژه پایین‌شهر استفاده می‌کنند و خود را اصیل می‌دانند. تقریباً محله‌ای دیگر نمی‌روند و داخل محله احساس امنیت بیشتری دارند.

این احساس امنیت در پاسخ‌هایشان توضیح مشخصی دارد؛ سازه‌ای ذهنی است که ساکنان پایین‌شهر را غیراصیل و غریبه می‌داند که معاشرت با آن‌ها در شأن ایشان نیست. پایین‌شهر را ندیده‌اند و فقط شنیده‌اند و آن‌جا را به اسلحه و قاچاق (مواد مخدر) فروشی می‌شناسند و «دوست» دارند بروند و «بینند»؛ گویی نوعی ماجراجویی توریستی برای دیدن مردمان عجیب. اگر گاهی هم گذارشان به این محلات افتاده برای خدمات پایین‌شهر برای بالاشهر بوده مثلاً «دعانویسی» یا احتمالاً تأمین تفریحات غیرقانونی.

جدول ۷. مقوله حصر محله‌ای و مفاهیم مرتبط

مقولات	مفاهیم	گزاره‌ها
حصر - جزایای فرهنگی	انزوی محله‌ای	به محله‌های دیگر نمی‌رویم چون امنیت نداریم. شهر را اصلاً خیلی نمی‌شناسم. آده‌های اینجا اصیل هستند. توی شهر جاهای کمی هست بروم. همین کسرا می‌آییم و خرید و پیاده‌روی می‌کنیم. فقط داخل کسرا احساس آرامش می‌کنیم. همین فردوسی کسرا بیشتر آرامش دارم. در محل خودمان احساس امنیت می‌کنم.
	رابطه با شهر	بعضی محلات اصلاً نمی‌روم چون اسلحه و قاچاق‌فروشی می‌کنند. (اصلاً نرفته‌ام آنجا فقط شنیده‌ام). محله‌های پایین شهر نمی‌روم اما دوست دارم بروم با همراهی کسی. به محلات پایین شهر هم نمی‌روم هیچوقت. مردها می‌روند اونجا. سمت محله‌های پایین نرفته‌ام اصلاً. سی‌متری و نوبهار نمی‌آیم اصلاً. سمت پایین شهر اصلاً نرفته‌ام و دوست ندارم. اصلاً پایین شهر نمی‌روم پسرهای مزاحم می‌شوند.
	کارکرد شهر	خیلی کم داخل شهر می‌روم سمت کسرا و نوبهار. سمت نوبهار و مصدق خرید می‌کنیم. بیشتر سی‌متری اول می‌روم چون محل کارم آنجاست. خیلی کرمانشاه را بلد نیستم. پایین شهر برای دعا گرفتن رفتم. در شهر فقط حدود ۶ بهمن می‌روم. خریدها رو بازار مصدق انجام می‌دهم.

این محله در حصری فرهنگی و جغرافیایی بسر می‌برد و بطریق اولی زنان محله نیز ارتباطی با شهر ندارند و فاصله‌ای منزلتی بین خود و شهر احساس می‌کنند. فضای شهری که قلمرو مشترک همه ساکنان شهر باشد و همه را در خود هضم کند وجود ندارد. محلات کرمانشاه به‌مثابه قلمرو اقتصادی اجتماعی گروه‌ها از هم تفکیک شده‌اند و شهر فضای هاضمه جذب همه افراد فارغ از پایگاه و پیشینه‌شان را ندارد.

۲.۲.۴ عدم تعلق عینی به شهر (طردشدگی)

بواسطه‌ی فقدان فضای شهری فراگیر، زنان این محله نیز تعلق و پیوندی با فضای شهر ندارند و در واقع از شهر طرد می‌شوند. نحوه تعامل زنان با شهر با حفظ فاصله ساکن و روان است؛ حتی داخل شهر بروند سوار ماشین شخصی هستند تا تماس‌های احتمالی با شهروندان به حداقل برسد و اگر پیاده به شهر بروند از زیر یک سقف به زیر سقف دیگر (کافه، رستوران، باشگاه) می‌روند. در واقع فضاهای عمومی خصوصی شده را به فضای شهر ترجیح می‌دهند. فضاهای خصوصی هزینه‌ی زیادی دارد که افراد خاصی امکان حضور در آن را دارند و حساب امنی برای زنان فراهم می‌کند که مکانیسم طرد هم هست.

جدول ۸. مقوله عدم تعلق عینی به شهر، مفاهیم و گزاره‌ها

مقولات	مفاهیم	گزاره‌ها
عدم تعلق عینی به شهر	فضای مراجعه	با ماشین شخصی و همراه مادرم برای گرداندن سگم به پارک می‌آیم. از نوبهار خرید می‌کنم. جاهای شلوغ اذیتم کرده‌اند دیگر نمی‌روم. بیشتر آنلاین خرید می‌کنم. جاده رو ترجیح می‌ده تا شهر. فراغت را با پیاده‌روی پر می‌کنم. یا کافه می‌روم یا جاده. توی شهر کم جا هست بروم. پایین شهر برای دعا گرفتن رفتم.
	فضای عمومی خصوصی	گاهی هم سینما می‌رویم. استخر هم می‌رویم. کافه یا جاهایی مثل آن بیشتر می‌رویم. (خانم جوان) باشگاه می‌روم یا کمتر پیاده‌روی. (خانم جوان) ورزش می‌کنم و باشگاه می‌روم. فیلم می‌بینم، خرید و کافه. خریدها رو بیشتر کسرا مال انجام می‌دهم. کافه گاهی وقت‌ها با دوست‌ها می‌روم و گاهی تنها. کافی شاپ زیاد می‌روم.

<p>پیاده نمی‌روم ولی با ماشین ممکن است بیایم داخل شهر. شب که نه ولی روز ممکن است پیاده بیایم (خانم مسن‌تر). بیشتر با ماشین شخصی داخل شهر تردد می‌کنم و تاکسی. خریده‌ایم را تهران انجام می‌دهم. با اتوبوس نمی‌روم جایی، بلد نیستم. خارج از شهر هم می‌رویم ولی جای دیگر شهر نه. ماشین شخصی و اسنپ استفاده می‌کنم. باشگاه می‌روم استخر کمتر. کافه هم می‌روم</p>	<p>آر ۱۳۰ ۳۴</p>	
--	--------------------------	--

زنان این محله برای فراغت جاده و خارج شهر را به فضای شهر ترجیح می‌دهند چون «شهر جایی برای رفتن ندارد». جاهای شلوغ تجربه ناخوشایندی است که مفروضات فضای فراغتی را تأمین نمی‌کند. در این مقوله زنان کسرا پیوندی با شهر نداشته و حتی جز به ضرورت داخل محله نیز جایی برای رفتن ندارند. فضاهای عمومی که در برخی پارک یا پاساژها تشکیل می‌شود غیر رسمی یا در ساعات غیررسمی (شب و نیمه شب) زندگی است که با دوستان جمع می‌شوند و پاتوق درست می‌کنند مثلاً برای پیاده‌روی شبانه سگ‌هایشان.

۳.۲.۴ مقوله عدم تعلق ذهنی به شهر (بیگانگی)

عدم تعلق عینی به شهر منجر به فاصله ذهنی و بیگانگی از شهر در زنان این محله شده است. از آنجا که پیوندی با فضای عمومی شهر ندارند و شهر را نمی‌شناسند یا رابطه‌ی پایداری با شهروندان ندارند، تلقی بسیار منفی از شهر در فضای ذهنی‌شان پایه عینی ندارد و حاصل فاصله عینی از فضای شهر است. به همین دلیل فرهنگ شهر را نسبت به گذشته (نامعلوم) بد ارزیابی می‌کنند و فکر می‌کنند شهر خشن است و امنیت ندارد و به آن‌ها احترام نمی‌گذارد. فضای عینی میان شهروندان که بنیان اقتصادی دارد باعث فاصله اجتماعی و ذهنی آن‌ها از هم‌دیگر شده است.

جدول ۹. مقوله عدم تعلق ذهنی به شهر و مفاهیم و گزاره‌ها

مقولات	مفاهیم	گزاره‌ها
عدم تعلق ذهنی به شهر	تعلق از شهر	<p>کرمانشاه نسبت به قبل بدتر شده و فرهنگ‌های مختلف در آن زیاد شده.</p> <p>فرهنگ شهر در مجموع پایین آمده.</p> <p>الان هر کی به هر کی شده.</p> <p>خیلی از خانه بیرون نیامم. (خانم مسن)</p> <p>از این شهر راضی نیستم.</p> <p>من کرمانشاهی اصیلم اما فرهنگ بد شده.</p> <p>فرهنگ مردم پایین آمده.</p> <p>پایین شهر رو دوست دارم برم.</p> <p>شهر خشن است.</p> <p>در شهر راحت نیستم.</p>
	احساس امنیت و آرامش	<p>در هیچ‌جای شهر احساس امنیت نمی‌کنم.</p> <p>در فضای شهر احساس امنیت نمی‌کنم.</p> <p>کرمانشاه واقعا امنیت ندارد.</p> <p>یکبار یک نفر خودش را جلوی ماشین ما انداخت که پول بگیرد. این چیزها هست.</p> <p>خانه هم امنیت نداریم چه برسه به شهر.</p> <p>هیچ‌جا آرامش ندارم در این شهر.</p> <p>بجز خیابان‌های اصلی جای دیگر احساس امنیت نمی‌کنم.</p> <p>موبایل جاری من را دزدیده‌اند.</p> <p>پارک‌های شلوغ می‌رویم [چون امنیت کم است] (خانم مسن)</p>

زنان این محله خود را در معرض خطر و قربانی احتمالی سرقت و کلاهبرداری می‌بینند. حتی این ناامنی به درون خانه افراد هم گسترش پیدا کرده و سرقت از منازل ناامنی را از شهر تا داخل منازل کشانده است. نگاه به «پایین شهر» توریستی است.

۴.۲.۴ فضای خصوصی سازی شده شهر

در کنار مقولات حصر منزلتی و جغرافیایی محله، عدم تعلق عینی (طردشدگی) و عدم تعلق ذهنی (بیگانگی)، فضاهای عمومی خصوصی، بخش مهمی از مختصات فضای شهری در این محله را توضیح می‌دهد. فضای عمومی شهر به دلایل مختلف مطلوب زنان نیست اما فضاهایی برای جبران کسری فضای عمومی شهر تأسیس شده که خصوصی هستند و حضور در آن‌ها

نیازمند پرداخت هزینه است و جزیره‌های داخل شهر پدید آورده که افراد را جذب خود می‌کند. این پدیده حاصل آرایش فضای شهری است که مناسبات کلان منجر به آن شده است؛ استحاله و حذف تدریجی فضای عمومی شهر به فضاهای عمومی خصوصی سودآور. این فرایند که خصوصی‌سازی فضای عمومی شهر است پیامدهای بسیاری دارد که پاره‌پاره کردن شهر و تضعیف انسجام یکی از آنهاست.

جدول ۱۰. مقوله فضای شهری خصوصی و مفاهیم مرتبط

مقولات	مفاهیم	گزاره‌ها
نوع و ابعاد فضای خصوصی	مسافرت و تمدد	سالی دو بار هم مسافرت می‌رویم کیش مثلاً. با تور گردشگری می‌روم. چند بار ترکیه و دبی رفته‌ام. دو هفته یکبار داخل استان کرمانشاه مسافرت می‌رویم. هر سال مسافرت می‌رویم. تهران و شمال.
	ارتقای شخصی	از دیجی کالا خرید می‌کنم. سرم مو و وسایل خاص را اینترنتی می‌گیرم. با دوستانم کافه می‌روم یا تنها. کلاس آواز می‌روم. با دوست و خانواده مهمانی می‌رویم پارتی هم می‌گیریم. ماشین شخصی و پیاده یا تاکسی، اتوبوس نه. فراغت با دوستان چت می‌کنم. گیتار می‌زنم و می‌رقصم. مطالعه می‌کنم در منزل. سه روز در هفته کلاس زبان.

زنان و فضای شهری کرمانشاه ... (الهام گراوند و دیگران) ۲۴۵

ورزش پیاده‌روی هم صبح‌ها می‌روم. در خانه اسکی فضایی دارم. تکواندو حرفه‌ای کار می‌کنم. باشگاه می‌روم. شنا و قایقرانی و بسکتبال کار می‌کنم. کوهنوردی می‌کنم. استخر می‌روم. سانس ۱۱۰ هزار تومان. سه بار در هفته می‌روم. در هفته چهار جلسه ورزش می‌روم. ماهی ۸۰۰ هزار پول باشگاه بدن‌سازی می‌دهم.	ورزش	
---	------	--

خودشکوفایی بخشی از فعالیت طبقه متوسط و بالا است اما فقدان فضای عمومی در شهر باعث تشدید خزیدن افراد به درون فضاهای مسقف برای تأمین نیازهایی شده که فضاهای عمومی شهر باید برآورده کنند. بواسطه‌ی ضعف شهر به مثابه بخشی از محیط زیست افراد که نیاز به برقراری ارتباط، مشارکت در حیات عمومی، احیای و بازتولید هویت جمعی را پاسخ می‌دهد، این فعالیت‌ها به نوعی به بخش خصوصی برون‌سپاری شده است.

۵. نتیجه‌گیری

مقایسه‌ی نسبت زنان دو محله با فضای شهر، توصیفی از شهر کرمانشاه فراهم می‌کند؛ زنان هر دو محله پیوندی با فضای شهر ندارند و آن را با خود بیگانه می‌دانند. مقصود از فضای شهر چنان‌که در مباحث نظری مورد اشاره قرار گرفت، فضاهای عمومی است که زنان بدون احساس بیگانگی در آن با احساس تعلق جمعی حضور می‌یابند. با این تفاوت که زنان محله کسری از فضای شهر هراس دارند اما زنان محله دولت‌آباد معتقدند شهر آن‌ها را نمی‌پذیرد. شهرهای واجد فضاهای عمومی همه ساکنان را صرفاً به حکم سکونت در آن به آغوش می‌گیرد اما فضای شهر کرمانشاه پذیرای زنان نیست. زنان دو محله مورد مقایسه با شهر پیوندی ندارند اما هرکدام نیاز به فضای شهری را به روش خاص خود تأمین می‌کنند؛ زنان محله کسری در فضاهای عمومی خصوصی‌شده و سرپوشیده حضور می‌یابند و فضای شهری مناسب خود را می‌خرند اما زنان محله دولت‌آباد به درون قلمرو مورد اعتماد درون‌گروهی رفته‌اند و فضای همسایگی خاص خود در شهر پدید آورده‌اند.

زنان دو محله اعتمادشان درون‌محله‌ای است؛ در دولت‌آباد به دلیل پیشینه قومی و فامیلی به هم اعتماد دارند، در کسری بواسطه‌ی تعلق به گروهی که در همسایگی‌شان زندگی می‌کند و

سکونت در آن محله احساس تجانس و قرابت برایشان فراهم می‌کند. با این وصف هویتی شهری که همه را در خود هضم کند و فارغ از تفاوت‌ها، نقاط اشتراک آن‌ها را به رسمیت بشناسد در شهر کرمانشاه وجود ندارد. هر محله هویتی مستقل برای خود دارد و شهر سامانی قطعی دارد که محلات مختلف که حول یک ایده (خویشاوندی، قومیت، منزلت) پدید آمده‌اند جدای از هم تعریف می‌شوند.

زنان دو محله فضایی همه‌شمول برای حضور در و پیوند با شهر ندارند و هر کدام فضایی را که حداقل‌های فضای شهری را تأمین کند برای خود یافته‌اند؛ زنان کسری فضاهای عمومی خصوصی و زنان دولت‌آباد بازار سستی محله و شهر را. برخی این پدیده را «مقاومت» شهروندان معرفی می‌کنند که توانسته‌اند فضاهای شهر را برای نیازهای خود تغییر دهند. حتی برخی مفهوم فضای بازنمایی لغور را به عاملیت شهروندان در تغییر بازنمایی فضایی تعبیر می‌کنند. بجز اینکه این تلقی با دستگاه نظری لغور ناسازگار است، تحمل مناسبات کلان به شهروندان را نادیده می‌گیرد. ضمن اینکه تفاوت افراد در سامان تقسیم‌کار که طبقه آن‌ها را تعیین می‌کند و جنسیت‌شان که جایگاهشان در این تقسیم‌کار را تشدید می‌کند، نادیده می‌گیرد. ایده مقاومت حسن‌تعبیری برای سازگاری ناگزیر با نظم مستقر و نوعی توجیه وضع موجود است. زنان که خود بخشی از افراد حاشیه‌شده هستند به فراخور سطح برخورداری راه‌حلی معطوف به گروه خود می‌یابند که معطوف به رستگاری جمعی نیست و چه بسا مناسبات نابرابر را بازتولید می‌کند.

فارغ از تفاوت دو محله شهر کرمانشاه، فضای جنسیت‌خنثی (Gender Neutral) ندارد که افراد خارج از کلیشه‌ای جنسیتی در آن حاضر شوند. پاساژ و بازار بیشتر مختص زنان است، خیابان در تسخیر مردان. پارک‌ها بار فقدان فضای عمومی شهر را به دوش می‌کشند اما بسته به فضای شهر این پارک‌ها هم به شکل برابر در دسترس زنان و مردان نیست؛ چه بسا پارک‌ها ناامنی بیشتری برای زنان دارد. فضاهایی مانند راسته کتاب، غذا، پرسه‌زنی و فراغت وجود ندارد.

خصوصی‌سازی فضاهای عمومی از مؤلفه‌های اصلی فضای شهری کرمانشاه است که نظم مستقر و جهت تغییر شهر را نشان می‌دهد. فضاهای خصوصی مسقف که جمع محدود و مشخصی را پذیرا می‌شود، بیشتر از سوی مدیریت کالبدی و امنیتی شهر پذیرفته می‌شود تا فضاهای عمومی فراگیر. باشگاه، کافه، رستوران، استخر، کافه/سینما، ورزشگاه، آرایشگاه، پاساژ/تفریح و جمع‌های ذوقی/ارتباطی بیشتر رشد می‌کنند و توسعه می‌یابند. این فضاها نیز

زنان و فضای شهری کرمانشاه ... (الهام گراوند و دیگران) ۲۴۷

گروه مشخصی را می‌پذیرند و گروه بزرگ‌تری را طرد می‌کنند. فضاهای عمومی که در شهر اجتناب‌ناپذیر است تکه‌پاره می‌شوند و در قالب‌های کوچک‌تر در می‌آیند که یا بهتر مدیریت شوند یا نیاز به فضای عمومی بزرگ‌تر را موقتاً مرتفع نمایند.

به منظور بازخوانی داده‌ها می‌توان از برخی داده‌های مناسبات اقتصادی اجتماعی استان بهره گرفت. سهم زنان از اشتغال در استان در سال ۵۵ حدود ۹ درصد بوده (مرکز آمار ایران ۱۳۵۵) که در سال ۱۳۹۸ به ۱۲ درصد رسیده است (مرکز آمار ایران ۱۳۹۸). اگر بتوان حضور زنان در فضای شهری را با اشتغال یا استقلال اقتصادی آن‌ها تبیین کرد، آمارهای موجود و تغییرات آن در ۵۰ سال گذشته بهره‌ی زنان از فضای شهری را توضیح می‌دهد. نقش زنان در مناسبات اقتصادی تغییری نکرده لذا نقش آن‌ها در تقسیم‌کار ثابت بوده و از همین رو سهمی از فضای شهری به‌دست نیاورده‌اند.

بر همین قیاس در سال ۱۳۹۸ بیکاری زنان در مناطق شهری استان برای سنین ۱۵-۲۴ سال ۶۸ درصد و برای سنین ۱۸-۳۵ سال ۴۸ درصد بوده است (همان) که سهم ناچیز زنان در فعالیت اقتصادی را نشان می‌دهد. فضای شهر کرمانشاه بر اساس این مناسبات تأسیس شده که تنها آمار اشتغال و بیکاری زنان، نقش آن‌ها در فضای شهر را توضیح می‌دهد. فرایند تقسیم‌کار در کرمانشاه زنان را در خود راه نداده و بدیهی است امکان و توان حضور در فضای شهری نیز نخواهند داشت.

حضور در فضای شهر از وجوه کالبدی و فضایی موکول به حضور مؤثر آن‌ها در مناسبات کلان اقتصادی سیاسی است که می‌تواند به بازآرایی تقسیم‌کار و سهم آن‌ها از فضای شهر منجر شود. از این منظر می‌توان گفت اعتراضات اخیر با محوریت حضور و مطالبه زنان حاصل وضع موجود آن‌ها در مناسبات اقتصادی و سیاسی است. در حالی که حضور پررنگی در مهارت‌آموزی و دانشگاه دارند اما سهم کمی از بازار اشتغال به دست آورده‌اند.

فضای شهر تابعی از مناسبات تولید است و هم‌پای تحولات این حوزه گسترش می‌یابد. شاخص‌های استان کرمانشاه در مؤلفه‌های توسعه پایین‌تر از متوسط است و از سال‌های قبل از انقلاب در جایگاهش تغییر حاصل نشده و از این جهت فضای شهری آن نیز تغییر معناداری به خود ندیده است. با این اوصاف می‌توان داده‌های تحقیق را در این راستا مورد بازخوانی قرار داد؛ زنان سهمی در فرایند اشتغال و تقسیم‌کار ندارند و از این جهت نقشی هم در بازتولید فضای شهری نتوانسته‌اند ایفا کنند.

در مقایسه‌ی دو محله‌ی مورد مطالعه - که با احتیاط در مورد جایگاه زنان در تقسیم‌کار - به کل شهر قابل اطلاق است، می‌توان گفت در هر دو محله بواسطه‌ی عدم حضور زنان در مناسبات اقتصادی، سهمی نیز از فضای شهر ندارند. با این تفاوت که زنان محله برخوردار شهر این کمبود فضا را با خریدن فضاهای خاص جبران می‌کنند اما زنان محله غیربرخوردار به همین اندازه هم توان اثرگذاری بر فضای شهری ندارند.

این مقاله با رویکردی انتقادی که متکی بر نظریه اقتصادسیاسی است به دسته‌بندی و تحلیل داده‌ها پرداخته است. بر این اساس مصاحبه‌های زنان دو محله اهمیت مناسبات اقتصادی در بهره‌داری از فضای شهری را تقویت می‌کند و زنان محلات برخوردار امکان بیشتری در استفاده از فضاهای شهری دارند اما در محلات کم‌برخوردار زنان عموماً از فضای شهری سهمی ندارند. گرچه زنان برخوردار نیز حضوری مؤثر در شهر ندارند اما توان خرید فضاهای عمومی خاص را دارند. عدم حضور زنان در شهر، بدون توجه به پایگاه اقتصادی‌شان با غیاب آن‌ها در مناسبات تقسیم‌کار و مشارکت اقتصادی قابل تبیین است. اما با در نظر گرفتن وضعیت پایگاه اقتصادی خانوادگی، زنان پایگاه بالا فضاهای عمومی خاص خود را پدید می‌آورند که مفروضات اولیه‌ی فضای شهری را تأمین می‌کند اما زنان با پایگاه پایین این امکان را هم ندارند و پیوندشان با شهر قطع شده است. تغییر این وضعیت موکول به بازآرایی مناسبات اقتصادی و بازتعریف نقش زنان است و راه‌کارهای تسکینی مانند پارک بانوان یا فضاهای خاص زنان نیز این مشکل را مرتفع نخواهد کرد.

پی‌نوشت

۱. خانم تینا لطف‌الله زاده و آقای آرش شهیازیان نقش مؤثری در انجام مصاحبه‌های تحقیق داشته‌اند. سپاس‌گزار زحمات ایشان هستیم.

کتاب‌نامه

آقایی، پرویز؛ توکلی‌نیا، جمیله؛ کلانتری، محسن؛ فنی، زهره (۱۳۹۸)، تولید و بازتولید فضا در چرخه دوم انباشت سرمایه؛ نقدی بر زندگی روزمره در فضای زیسته، *باغ نظر*، ۸۰(۱۶)، ۲۹-۴۰

باغبان‌مشیری، نیلوفر؛ کاظمی، عباس؛ ربیعی، کامران؛ احمدی‌پور، زهرا (۱۴۰۱)، تولید فضا و ضرب‌آهنگ‌کاوی فضای شهر تهران: رهیافت هانری لفور، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۱۳(۳)، ۲۷-۵۶

زنان و فضای شهری کرمانشاه ... (الهام گراوند و دیگران) ۲۴۹

پوراحمد، احمد؛ زیاری، کرامت‌الله؛ حاتمی‌نژاد، حسین؛ رضایی‌نیا، حسن (۱۳۹۷)، تحلیلی بر ماهیت فضای عمومی در پروژه‌های بزرگ‌مقیاس گردشگری شهری بر اساس نظریه «تولید اجتماعی فضا» (مطالعه موردی: شهر تهران)، گردشگری شهری، ۵(۲)، ۱۳۵-۱۵۹

حبیبی، لیلا؛ نیک‌پور، عامر؛ نجفی، معصومه (۱۳۹۸)، واکاوی احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر آمل با تأکید بر عناصر کالبدی، فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، سال چهارم (۸)، ۱۷۹-۲۰۲

حسینی، محمدرضا؛ تاجبخش، غلامرضا؛ سرلک، پرستو (۱۴۰۱)، تحلیل کیفی خشونت علیه زنان در فضاهای عمومی شهر و پیامدهای آن (مورد مطالعه زنان شهر بندرعباس)، پژوهش‌نامه زنان، ۱۳(۲)، ۱۸۹-۲۱۰

فراهانی فرمهبینی، بهراد؛ صرافی، مظفر (۱۴۰۰)، نقش طرح‌واره‌های ذهنی در بازتولید فضا؛ نقد سه‌گانه فضایی لغور از منظر مکتب ویگوتسکیایی شناخت، معماری و شهرسازی ایران، ۱۲(۱)، ۵-۲۱

فرحزاد، مریم؛ رفیعیان، مجتبی؛ کامیابی، سعید؛ ارغان، عباس (۱۳۹۹)، سنجش ترجیحات حضوری زنان در عرصه‌های عمومی شهر تهران، فصلنامه آمایش محیط، ۵۱، ۲۳-۴۲

قلی‌پور، سیاوش (۱۳۹۷)، تکه‌پارگی، مونوریل و حیات شهری کرمانشاه، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۸(۱)، ۱۱۹-۱۴۱

مرکز آمار ایران (۱۳۹۶)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، تهران: مرکز آمار ایران.

مرکز آمار ایران (۱۴۰۰)، جایگاه استان‌های در آینه آمار، تهران: مرکز آمار ایران.

مرکز آمار ایران (۱۳۵۵)، سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۵۵، تهران: مرکز آمار ایران.

مرکز آمار ایران (۱۳۶۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵، تهران: مرکز آمار ایران.

منوچهری میان‌دوآب، ایوب (۱۴۰۰)، تحلیلی بر فرایند تولید فضای شهری در ایران (مورد کلان‌شهر تهران)، پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، ۹(۲)، ۳۸۷-۴۱۵

نازک‌تبار، حسین؛ ابراهیمی کیایی، هادی (۱۴۰۱)، تأثیر سرمایه فرهنگی بر احساس امنیت اجتماعی زنان (مطالعه موردی زنان شهر ساری)، پژوهش‌نامه زنان، ۱۳(۳)، ۳۳۱-۳۵۴

نظری، نگین؛ فرهادی، محمد (۱۴۰۱)، نقش دولت در حاشیه‌نشینی‌سازی در کرمانشاه، مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۱۶(۲)، ۸۱-۱۰۰

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۳۹۹)، نیم‌نگاهی به شاخص‌های توسعه استان کرمانشاه، نشریه ۲۳.

McDowell, L (1983), Towards an Understanding of the Gender Division of Urban Space, *Society and Space*, Vol 1(1).P59-72. <https://doi.org/10.1068/d010059>

Spain, D (2014), Gender and Urban Space, *Annual Review of Sociology*, Vol 40. P 581-598. <https://doi.org/10.1146/annurev-soc-071913-043446>

Beebeejaun, Yasmineh (2016), Gender, urban space, and the right to everyday life, *Journal Of Urban Affairs*, Vol39(3). P 323-334.

Glaser, B.G & Strauss, A.L (2006), *The Discovery of Grounded Theory: strategies for qualitative research*, New Brunswick: AldineTransaction.

Lefebvre, Henri (1991). *The Production of Space*, Trs Donald Nicholson-smith. Blackwell: Oxford.

